

معرفی هیئت انتخاب و داوران بخش داستان کوتاه جایزه «فرشته»

● گروه هنر: اعضای هیئت انتخاب و هیئت داوران چهارمین دوره جایزه فرشته در بخش داستان کوتاه معرفی شدند.
بزمان موسوی، دبیر چهارمین دوره جایزه فرشته، با اعلام این خبر گفت: «پس از برگزاری سه دوره «جایزه فرشته» و با توجه به حضور جوانان علاقه‌مند به حوزه‌های داستان‌نویسی و عکس، شهر کتاب فرشته تصمیم بر آن گرفت تا چهارمین دوره از این اتفاق هنری- فرهنگی را با موضوع «آزیز قرمز»، در دو بخش داستان کوتاه و عکس و با هدف کشف و معرفی استعدادهای درخشان و ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و ضرورت نگاهی متفاوت به عکاسی برگزار کند». او افزود: «با این هدف و پس از بررسی‌های کارشناسی، امید بلاغتی، حسین پاکدل، کاوه فولادی‌نسب، حسن محمودی و شیوا مقانلو، به‌عنوان اعضای هیئت انتخاب دوره چهارم این‌ جایزه در بخش داستان کوتاه و علی خدایی، بلقیس سلیمانی و ناهید طباطبایی هم به‌عنوان اعضای هیئت داوران این‌ جایزه خواهند بود». موسوی درباره قوانین این دوره جایزه گفت: در بخش داستان کوتاه، آثار ارسالی باید در فرمت doc یا docx بوده و حداکثر تعداد کلمات سه هزار و ۵۰۰ کلمه باشد. همچنین شرکت‌کنندگان در این رقابت نباید اثر چاپ‌شده‌ای در قالب کتاب داشته باشند و آثار ارسالی نیز نباید پیش از این در هیچ مسابقه‌ای شرکت کرده باشند، مضافا اینکه هر نویسنده امکان ارسال تنها یک اثر را به دبیرخانه «جایزه فرشته» خواهد داشت. وی افزود: همچنین قوانین، مناسبات و هنارهای جامعه در انتخاب داستان‌های کوتاه برای شرکت در مسابقه در نظر گرفته خواهد شد و مسئولیت رعایت‌نکردن هر یک از موارد ذکرشده برعهده شرکت‌کننده است. مهلت ارسال آثار از یکم دی‌ماه ۱۳۹۶ لغایت سی‌ویکم فروردین‌ماه ۱۳۹۷ خواهد بود. لازم به ذکر است ارسال آثار به دبیرخانه جایزه فرشته به‌منزله واگذاری حقوق مادی و معنوی این آثار به شهر کتاب فرشته است.علاقه‌مندان برای تکمیل فرم ثبت‌نام آنلاین و ارسال آثار خود می‌توانند به وب‌سایت شهر کتاب فرشته به نشانی: fereshtehbookcity.com مراجعه کنند.

روى خط خبر

فرانک آرتا: هشتمین حراج تهران که دومین دوره حراج اختصاصی «هنر معاصر ایران» بود، شامگاه جمعه ۲۲ دی با ارتقای رکورد خود و خلق دستاوردهای تازه برای هنر معاصر در هتل پارسیان آزادی برگزار شد.

همه ۱۲۰ اثر ارائه‌شده در این حراجی در مجموع به مبلغ ۱۴میلیارد و ۹۵۲ میلیون تومان به فروش رسید که می‌توان آن را یک نوید برای اقتصاد هنر ایران قلمداد کرد که تجلی بارز اقتصاد مقاومتی است؛ اهمیت این عدد زمانی بیشتر روشن می‌شود که در نظر داشته باشیم مدرنیست‌های بزرگ و صاحب‌نام مارکت مانند سیهری، تناولی، احصابی، عربشاهی، کاظمی، محمصن و صدر در این حراجی حاضر نبودند و چنین حراجی‌ای سال گذشته حدود ۱۲ میلیارد فروش داشته است.

در این حراج آثار ۲۴ هنرمند برای نخستین‌بار به خریداران پیشنهاد شد؛ درعین‌حال این حراج در مقایسه با دور نخست خود شاهد ۶۴ تغییر در چینش هنرمندان بود که می‌توان آن را گامی مهم در فرایند تنوع‌بخشیدن به مارکت هنر و نیز تقویت اشتغال هنرمندان و امرار معاش از راه هنر برای آنان قلمداد کرد.

برای نخستین‌بار یک زن عنوان گران‌قیمت‌ترین هنرمند را از آن خود کرد، سه اثر معاصر مرز میلیارد را پشت سر گذاشت، یک قطعه عکس از دفاع مقدس مربوط به عملیات کربلای پنج با نزدیک به سه برابر رشد نسبت به قیمت پایه حائز بالاترین جهش شد و ۳۵ اثر بالای صد میلیون تومان چکش خوردند.

هنر معاصر ایران به بازار کم‌پوش رو به ثباتی دست یافته است، هنر معاصر ایران از این منظر راه درازی در پیش دارد؛ ازاین‌رو تمرکز حراج تهران در فصل زمستان به این‌گونه هنری می‌تواند جهت‌گیری مؤثری برای ارتقای آن محسوب شود؛ در همین راستا طیف گسترده‌ای از جوانان هنرمند و حتی فارغ‌التحصیل هنر نیز با گرایش به هنر معاصر مشتاق گذران زندگی از راه فروش آثار هنری خود هستند و ناگفته پیداست دولت تاب و توان پاسخ‌گویی به این خیل عظیم را ندارد.

تجربه جهانی می‌گوید بخش خصوصی می‌تواند در این مسیر راهگشایی کند. روز جمعه در هشتمین حراج تهران، با رویکرد هنر معاصر نشانه‌های امیدبخشی در این موارد بروز کرد. فروش خوب جوانان با رویکردهای معاصر و استقبال مجموعه‌داران از هر دو این سلیقه‌های تازه خبر کوتاه حراج تهران بود، حراجی که خبرهای خوب دیگری هم در خود داشت.

فرمانفرمایان: یوسف‌زاده، مشیری

منیر فرمانفرماییان با فروش اثر آینه‌کاری سه‌لته‌ای به مبلغ یک‌میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان عنوان گران‌قیمت‌ترین اثر حراج هشتم تهران را از آن خود کرد؛ ارجاعات این اثر به نظم مطلق، هندسه مقدس و اشارتی به کنه نظم هستی و هفتمنبودن نظام آفرینش است. این اثر کمینه‌گراترین کار این بانوی ۹۵ساله است که موزه اختصاصی آثار او به‌تازگی افتتاح شده است.

دو اثر دیگر به طور مشترک روی یک میلیارد ایستادند: کامران یوسف‌زاده

هنر

هشتمین حراج تهران نزدیک ۱۵ میلیارد تومان ایستاد

یک زن بر صدر مارکت نشست



هنرمند ۶۱ساله مقیم نیویورک که در آمریکا با نام «وای زی کامی» صاحب جایگاهی است، در نخستین حضورش در حراج تهران به رکورد یک میلیارد تومان دست یافت، «گنبد سفید» نام نقاشی سفیدرنگ اوست که وحدت در عین کثرت و حرکت عرفانی به سوی نور مطلق را به تصویر کشیده است. فرهاد مشیری هنرمند معاصر پروازه ۵۴ساله هم با نقاشی دولته‌ای از سری معروفش «کوزه‌ها» توانست یک‌میلیاردی شود.

اتفاقا مشیری رکورد چهارم این شب را نیز مال خود کرد: نقاشی دیگر او از کاسه سیاه کوچک ۵۵۰ میلیون تومان چکش خورد.

منوچهر یکتایی ۹۵ساله با یک نقاشی آبستره بدون عنوان ۵۰۰ میلیون تومان چکش خورد و از حیث فروش در جایگاه پنجم قرار گرفت.

در شب هشتمین حراج تهران چهار اثر بالای ۴۰۰ میلیون تومان ایستادند: سه اثر هریک ۴۶۰ میلیون تومان فروخته شدند: نقاشی زنده‌یاد فریده لاشایی از سری دکتر مصدق، تابلوی پیکار زرافام از رضا درخشانی و تابلوی بدون عنوان از حسین زنده‌رودی. نقاشی دولته‌ای از آیدین آغداشلو از سری خاطرات انهدام هم با فروش ۴۴۰میلیون‌تومانی بالاترین شد.

در این حراجی ۱۲ اثر هم بالای ۲۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند: نقاشی از منصور قندزیر ۳۴۰ میلیون، کوروش شیشه‌گران ۳۲۰ میلیون، سه اثر از قاسم حاجی‌زاده، فریده لاشایی و مجسمه از امیرمسعود اخوان‌جم هریک ۳۰۰ میلیون، سه اثر از محمدحسین عماد، منیر فرمانفرماییان و رضا درخشانی هریک ۲۸۰ میلیون، کاری از حسین زنده‌رودی ۲۶۰ میلیون، نقاشی از پرویز کلاتری از مجموعه شبانه‌ها ۲۲۰ میلیون و دو اثر از زنده‌یاد عباس کیارستمی و اثر بدون نام دیگری از زنده‌یاد پرویز کلاتری هریک ۲۰۰ میلیون تومان چکش خوردند.

در این شب اثری از خسرو حسن‌زاده با عنوان صدتختی ۱۸۰ میلیون، واحد خاکداند ۱۸۰ میلیون، منصور قندزیر ۱۷۰ میلیون، دو اثر از شهریار

احمدی و زنده‌یاد محمدعلی ترقی‌جاه هریک ۱۶۰ میلیون، نقاشی پهلوان از قاسم حاجی‌زاده ۱۵۰ میلیون، نقاشی از زنده‌یاد هانیبال الخاص ۱۴۰ میلیون، نقاشی‌خط از صداقت جباری ۱۳۰ میلیون، مجسمه‌ای از بهمن دادخواه ۱۲۰ میلیون، دو اثر یکی نقاشی‌خط عین‌الدین صادق‌زاده و مجسمه زنده‌یاد ژازه تاتابایی هریک ۱۱۰ میلیون و سه اثر از افشین پیرهاشمی، سعید شهلایور و نقاشی از ژازه تاتابایی هم هریک صد میلیون تومان چکش خوردند.

در هشتمین حراج تهران چهار اثر هریک به قیمت ۹۵ میلیون تومان فروخته شدند: پروانه اعتمادی، علیرضا اسپهبد، مارکو کریگوریان و آویش خبره‌زاده. سه اثر از ناصر اووسی، محمد بزرگی و فرناز ربیعی‌جاه هریک ۸۰ میلیون تومان، اثری از بهروز دارش ۷۵ میلیون تومان، سه اثر یعقوب امدادیان، بهمن بروجنی و جلال شباهنگی هر یک ۷۰ میلیون تومان، اثری از زنده‌یاد مهدی سحابی ۶۵ میلیون تومان و سه اثر از حسین محجوبی، هادی جمالی و منوچهر معتبر ۶۰ میلیون تومان چکش خوردند.

در این میان عکسی از عملیات کربلای پنج اثر خیره‌کننده سعید صادقی که برآورد اولیه‌اش ۲۰ میلیون پیشنهاد شده بود، با جهشی قابل‌ملاحظه ۵۵ میلیون تومان به فروش رسید؛ چهار اثر از علی شیرازی، پروانه اعتمادی، منوچهر نایزی و رامیز شهبو ۵۰ میلیون تومان چکش خوردند.

سایر فروش‌های هشتمین حراج تهران همگی با پسوند میلیون تومان عبارت‌اند از: شهلای حبیبی ۴۸، محمود زنده‌رودی ۴۸، نصرت‌الله مسلمیان ۴۸، گلناز فتحی ۴۶، مهدی فلاح ۴۶، حامد رشتیان ۴۶، پری یوش گنجی ۴۶، علیرضا آستانه ۴۴، بهمن جلالی ۴۴، وحید چمانی ۴۴، کامیاز صبری ۴۴، فریدون امیدی ۴۲، خسرو خسروی ۴۲، صادق تیرافکن ۴۰، همایون سلیمی ۴۰، سحر صالحی ۴۰، کوروش گلناری ۴۰، مهرداد

صدری ۴۰، مرتضی درباغی ۴۰، ناصر بلنگی ۳۸، رضا رینه‌ای ۳۸، حسین ذابجی ۳۸، رضا بانگیز ۳۸، طاهر شیخ‌الحکما ۳۶، کامییز درمبخش ۳۶، مجتبی تاجیک ۳۵، بهرنگ مصدزادگان ۳۴، رضوان صادق‌زاده ۳۴، رضا خدادادی ۳۴، کامییز شریف ۳۴، احمد مرشدلو ۳۲، مریم سالور ۳۲، امیرصادق تهرانی ۳۰، حمید عجمی ۳۰، امیر موبد ۳۰، آتیه محمد تاتاری ۳۰، کامران دبیا ۳۰، کیژا وارگا سینیایی ۲۸، عنایت‌الله نظری‌نوری ۲۸، محمد طباطبایی ۲۸، علی ندایی ۲۸، حسین خسروچردی ۲۷، بهنوش فروتن ۲۶، ارسیا مقدمی ۲۴، زیلا کامیاز ۲۴، حبیب‌الله صادقی ۲۴، سعید احمدزاده ۲۲، ششیتا ذاکرکامران ۲۲، طلیعه کامران ۲۲، مرتضی اسدی ۲۰، میترا کاویان ۲۰، محمدعلی بنی‌اسدی ۲۰، وحید محمدی ۱۹، فلورا فیض‌بخش ۱۹، امیر نصر کم‌گویان ۱۹، امین منتظری ۱۸، مقدار لپور ۱۸، فرح ابوالقاسم ۱۷، رضا حسینی ۱۷، حمیدرضا رحیمی‌نژاد ۱۶، محمدرضا جوادی ۱۵، علیرضا فانی ۱۵ شهناز زهتاب ۱۵، حسین صدری ۱۵ و مجید کورنگ بهشتی ۱۴

هشتمین حراج تهران را چهاره‌هایی مانند سیدمحمد بهشتی، مرتضی کاظمی، حجت‌الله ایوبی، بیتا فرهی، فرشته طائرپور، مهدی کرم پور، افشین هاشمی، روزبه نعمت‌الله و... و نزدیک به ۷۰۰ خریدار، هنرمند، خبرنگار و علاقه‌مندان هنر از نزدیک نظاره کردند.

مهندس پور، دبیر جشنواره سی‌وششم تاتار فجر، در پاسخ به انتقادات:

عدول از فراخوان به‌نفع تنوع تئاتری‌ها

گروه هنر: فرهاد مهندس‌پور، دبیر جشنواره سی‌وششم تاتار فجر، در نشست که شنبه، ۲۲ دی‌ماه، در سالن کنفرانس مجموعه تاتارشهر برگزار شد، درباره برخی حاشیه‌ها و ابهامات پیش‌رو در برگزاری این جشنواره توضیح داد. او در این نشست، درباره تغییراتی که نسبت به فراخوان به وجود آمده و همچنین پوستر این رویداد که انتقادات زیادی را به‌همراه داشته است، توضیحاتی ارائه داد. دبیر جشنواره تاتار فجر درباره عدول از فراخوان گفت: یکی از اصلی‌ترین هدف‌ها در برپایی این دوره از جشنواره، حضور گروه‌های تئاتری با بیشترین تنوع بوده است. فرهاد مهندس‌پور، دبیر این دوره از جشنواره، گفت: در هشت، ۹ ماه گذشته تلاش عدول از فراخوان گفت: یکی از اصلی‌ترین هدف‌ها در برپایی این دوره از جشنواره، حضور گروه‌های تئاتری با بیشترین تنوع بوده است. فرهاد مهندس‌پور، دبیر این دوره از جشنواره، گفت: در هشت، ۹ ماه گذشته تلاش کردم عاقل باشم، چون به نظرم تصور اینکه می‌توانم کاری در اینجا انجام دهم ساساده‌لوحانه بود، آن هم به دلیل فشارهای زیادی است که وجود دارد، بنا بر گفته او، در برگزاری جشنواره از فراخوان عدول کرده‌اند و البته تنها جایی که عادلانه عدول کرده، این بوده که بخش ایران به دو قسمت تقسیم شود و فکر می‌کرد تغییر در آن چیزی که خودش پیش از این نوشته بود بهتر است. ضمن اینکه با توجه به فشارهای زیادی که وجود داشته تغییرات می‌توانست خیلی بیشتر باشد، به‌طوری‌که می‌توانند آن را مهار کنند و این شرایط برای او که سال‌ها از بدنه اجرایی تاتار دور بوده متفاوت‌تر است، این بود که بخش زود متوجه شد که نباید می‌آمد. دبیر تاتار فجر درباره گسترده‌گی جدول جشنواره تاتار فجر و گلايه‌مندی برخی از هنرمندان که اثرشان در جدول جشنواره نیست، گفت: اینکه جشنواره تاتار فجر را مهم و بزرگ نگه داریم از این جهت اهمیت دارد که این جشنواره می‌تواند به یک قطب جمعونی به‌صراحت تبدیل شود که البته با وجود اینکه حدود ۲۰۰ اجرا در جشنواره هستند، هنوز عده زیادی از نبود اثرشان کله دارند. او در ادامه تاکید کرد که مسابقه برای تاتار را احمقانه می‌داند، چون آن را دون شان تاتار ایران و جشنواره بزرگی مثل تاتار فجر می‌داند و افزود: دراین‌باره محمد رضایی‌را، جلال تهرانی و حسن کوچکی به‌صراحت گفت‌وگو بود، دو هواى امروز جامعه را گرفتیم و از آنجا که خیلی از گفت‌وگوها موبایل‌محور و بر اساس ايموچي هستند، در طراحی پوستر از آنها استفاده شد. همچنین درباره سایت فروش بلیت جشنواره هم که امسال برعهده سایت ایران‌نمایش است، سوألی مطرح شد که با توجه به بیانه اعتراضی یکی دیگر از سایت‌های متقاضی که در سال‌های قبل این امکان را در اختیار داشت، دبیر جشنواره تاتار فجر گفت: این امر به منافع گذاشته و در نهایت بهترین پیشنهاد انتخاب شد. در پایان نشست گفته شد که فراخوان جشنواره سی‌وهفتم را هم نوشته‌اند و در آن مواردی دچار تغییرات زیاد شده که البته ممکن است اجرای شود یا نشود.

در جشنواره سی‌وششم تاتار فجر:

کنارهمدیگردان این نام‌آوران متفاوت-۲



محمود رضارحیمی رضا آشفته: محمودرضا رحیمی شاکرد و دستیار حمید سمندریان است که از دهه ۷۰ کار خود را آغاز کرد. او رهرو اصولی شیوه تاتار دانشگاهی است؛ اما «دایره گچی قفقازی» را متفاوت با نگاه سمندریان و در آکادمی سمندریان، با هنرجویانش و به شیوه موزیکال کار کرده است. رحیمی نگاهی متنوع داشته و بر همین اساس، مسیر پرخطر و پرفرازونشیبی را طی کرده است. در واقع این آثار می‌تواند آغاز دوباره‌ای برای او در فضای تاتار باشد.



وحید رهبانی: وحید رهبانی هم از آکادمی حمید سمندریان و از اواخر دهه ۷۰ کارش را آغاز کرده است. در همین دلیل دو روی تفکر و فهم را مانند استادش در ساخت‌وساز اجراهایش هدف قرار می‌دهد و ضمن مطرح‌بودن، گاهی نیز جنجالی می‌شود؛ اما خودش اهل تاتار است و میلی به جنجال ندارد. «هنر» از متون عالی قرن بیستم است که باسمینا رضای فرانسوی آن را نوشته و در ایران نیز بارها ترجمه و کار شده است. نگاه رهبانی به این اثر حتما آن را دیدنی کرده است.



حسین کیانی: حسین کیانی از نیمه دوم دهه ۷۰ همواره در دو زمینه تاتار اجتماعی و تاتار ملی به شکل منسجم و خلاقه‌ای فعالیت کرده است. «روز عقیم» نیز زمینه‌های اجتماعی و تاریخی دارد و این دلیل درستی است که حضور این‌ کار را در جشنواره مهم کشورمان الزامی می‌کند. درعین‌حال، کیانی پیشینه در‌خور تأمل و پذیرفته‌شده‌ای دارد و همچنین در زمینه تاتار با انرژی، تفکر و خلاق عمل می‌کند.



آرش دادگر: آرش دادگر از دهه ۷۰ تاتار کار می‌کند و تاتارهایی مثل شاه‌لیر، هملت و اودیسه، او را به‌عنوان کارگردانی با وسعت دید بالا معرفی کردند. دادگر با نمایش هملت اثبات کرد در تاتار می‌تواند بیانگر نوآوری‌های در‌خور تأملی باشد؛ اما اودیسه توانست همان بضاعت را تکرار کند و برای همین او دوباره هملت را اجرا کرد و حال می‌خواهد با «اسب» باعث شگفتی دوباره شود.



محسن حسینی: محسن حسینی از دهه ۸۰ پس از سال‌ها از آلمان به تهران آمده است و همواره بر پایه توجه به کرونوفکی و شیوه فوق‌مدرن در صحنه حضور داشته است. کارهای او متأسفانه گاهی کم‌مخاطب می‌شود، اما نگاهش در توجه به نظریه هنرمندانی مانند آنتون آرئو و تاتار شقاوت، ما را متوجه جوه دیگری از تاتار می‌کند که در آن ارجاع به اصالت‌ها که می‌توانند آیین و اسطوره باشند، بسیار دیدنی است.



محمدحسن معجونی: محمدحسن معجونی هنرمندی برآمده از گروه علی رفیعی در دهه ۷۰ است که نگاهی متنوع و متفکر با اتکا به فرم‌های بدیع دارد و از این‌س منظر، کارهایش هم دیدنی است و هم جاذبه‌های اندیشه‌ای دارد. ماجرای متران پاز، خرس و خواستگاری سه کم‌دی‌ای است که در تهران و رشت کار شده‌اند. حضور و موفقیت او در ژانر کم‌دی را می‌توان به قایل نیک گرفت؛ چون کمتر کسی به‌راحتی می‌تواند وضعیت کم‌دی به قلم‌روس‌ها را در ایران به نمایش درآورد.



محمّد رضایی‌راد: محمد رضایی‌راد کار خود را از سال‌های ابتدایی ۸۰ آغاز کرده است. هرچند او بسیار کم‌کار است؛ اما همواره کارهایش در میدان دید منتقدان و مخاطبان با نقد و بررسی مواجه می‌شود که این خود دلالت بر دغدغه‌مندی‌هایش دارد. او همواره در صحنه متفکر بوده و همین امر شاید دلیل عمده‌ای برای قایل بحث‌بودنش باشد. «فعل» یک نمایش متفاوت از اوست که شاید بتوان گفت با تکیه بر تاتار جدید ژاپنی و بیومکانیک می‌رهولد که از همان تاتارهای شرقی ریشه گرفته است، شکل گرفته است.



مسعود دلخواه: مسعود دلخواه «مقیستو» در زمینه جنک و فاشیسم اثری بسیار تأویل‌گرانه را به صحنه آورده است. این اثر اقتباسی از رمان کلاوس مان آلمانی به قلم آرین منوشکین فرانسوی است و جنک جهانی دوم را هدف قرار می‌دهد. او استاد دانشگاه است و از دهه ۸۰ در تاتار ایران در مقام بازیگر و کارگردان فعالیت خود را آغاز کرده است. «مقیستو» را می‌توان بهترین کار دلخواه دانست.

بعدازظهر جمعه است. ایرهای استراتوکومولوس آسمان را با هنرمندی هرچه تمام‌تر نقاشی کرده و خورشید را هم به‌وجد آورده‌اند تا در لایه‌های آنها، پرتوافشانی کند و چتری به‌غایت زیبا از طیف رنگ‌های آبی تا طلایی را بر سر تهران بکسرتاند. اصلا روزه، روز رنک است و نقاشی... بی‌مبالغه، هوای بعدازظهر ۲۲ دی ماه هم بیشتر به بهار می‌ماند تا زمستان.

راس ساعت ۴، قرار هنرمندان‌های میان جمعی هنرمند و هنردوست فرامی‌رسد. قراری که به افتتاح یک نمایشگاه نقاشی با هنرنمایی چندین هنرمند می‌انجامد. نمایشگاهی در زعفرانیه، کوچه‌نشاط. همین اندازه نشانی کافی است تا اهل هنر پی‌برند که هر خبری بوده، در آتلیه نقاشی «استاد ایرج شافعی» بوده است.

وارد می‌شویم. در حیاط نه چندان بزرگ اما باصفاي گالری، اولین چیزی که جلب توجه می‌کند، پوستر نمایشگاه است. نوشته: «نمایشگاه گروهی شاگردان استاد ایرج شافعی به مناسبت سی‌امین سالگرد تاسیس آتلیه نقاشی زمان هنر».

جمعه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۶ از ساعت ۱۶ الی ۲۰
نمایشگاه تا روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه ادامه دارد
ساعت بازدید ۱۱ الی ۱۸؛ زعفرانیه خیابان آصف کوچه پرویز وهابی پلاک ۱۴
رنگ‌درنگ

حالا دیگر وارد صحن اصلی گالری شده‌ایم. از همان بدو ورود، چشم‌مانمان را جرحه جرحه به نوشیدن زیبایی مهمان می‌کنیم. رنگ در رنگ، نقش در نقش، طرح در طرح. آثاری که وجه اشتراکشان بهره‌گیری از تکنیک رنگ و روغن و اکریلیک است. اما در انتقال احساسات و مفاهیم، هرکدام دنیایی مخصوص به خود دارند. یکی در نقاشی‌اش از نمادهای مذه و ۶۰ و توپ پلاستیکی آن دوره استفاده کرده وآن دیگری امواج دریا را به زیبایی بر پهنه بوم روان کرده است؛ یکی چهره زنی زیبا را قلمی کرده و دیگری با چند خط و چند رنگ و چند نقش، تلاش کرده ضمیر ناخودآگاه‌ها را به مرور خاطره‌ای شاید آشنا دعوت کند. خاطراتی که شاید برای هرکدام از ما، رنگ و بویی منحصر به فرد داشته باشد و هرکدام از ما، دریافته‌ی کاملا اختصاصی از آن خواهیم داشت. حالا دیگر مطمئن شده‌ام که نقاشی را نمی‌شود نوشت. فقط باید دید. حالا دیگر برای دعوت از تو، مطمئن شده‌ام.

آویخته بر دیوارهای یکی از اتاق‌های گالری، دو تابلوی نقاشی هوش از سرت می‌برد. ندیده و نشناخته با خودت شرط می‌بندی که باید کار استاد باشد. تابلوهایی به غایت خوش صدا. آری، با توجرف می‌زنند. نزدیک‌تر که می‌روی، شسرت را هم می‌بری، امضای استاد ایرج شافعی بر حاشیه اثر، دلت را یکدل می‌کند که هرچه زیبایی تاکنون در این نمایشگاه دیده‌ای، از این سرچشمه جوشیده‌اند.

سایه‌استاد

ضیافت نمایشگاه می‌رود که کامل شود. استاد هم به این جمع صمیمی پیوسته است. با لبخندی بربل و چهره‌ای که موج موج انرژی مثبت و آرامش به اطرافش



می‌پراکند. درمیانه حضار مشغول چاق سلامتی و خوش آمدگویی به حضار است. ما را که می‌بیند، بر درنگ می‌دبزد که چند دقیقه‌ای درکنارش بنشینیم و حالا پس از گشت‌وگذار در دنیای هنرهای صبری‌اش، لختی از لطافت کلامش هم بهره ببریم. اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که آیا استاد ایرج شافعی را فقط در همان دو تابلویی که به امضای او رسیده بود، باید جست‌وجو کرد یا سایه استاد، در آثار شاگردان هم وجود دارد؟

می‌گویند: «درعین حال که عده‌ای از این هنرجویان حالا دیگر خودشان به استادی رسیده‌اند و برای خودشان کلاس دارند، بعضی از آنها شش سال یا هفت سال بیشتر ندارند. اما به هر حال وقتی هنرجویی نزد استادی به یادگیری مشغول می‌شود، ردپایی از آن استاد در تکنیک‌ها و قلم‌های آثارش دیده می‌شود. ولی در مورد مفاهیم، من سعی کرده‌ام که این اتفاق نیفتد. من به همه این عزیزان تاکید کرده‌ام که سعی کنید آثارتان از نظر مفاهیم، شبیه آثار من نباشد. چون تفکرات هرکسی بسیار زیاست و درواقع من باید تلاش کنم که به هنرجویانم پیاموزم بدهم که خودشان را درکار نشان دهند».

چگونه افکار خودشان را درکار نشان دهند؟ بر «افکار و مفاهیم» تاکید دارد. مگر هنر برای انتقال مفاهیم و افکار است؟ می‌گویند: «۹۵ درصد افکار و ۵ درصد تکنیک، آن هم برای انتقال افکار».

شجاعانه سخن می‌گویند: «من برعکس اغلب همکارانم برای تکنیک اهمیت خیلی زیادی قائل نیستم. البته اجرا و تکنیک و مهارت، فیض کمی نیست ولی چیزی است که همه می‌توانند به دست بیاورند. فکر، ایده و سلیقه است که برای من مهم است. برای من مهم است که یک هنرمند با استفاده از تکنیک بتواند احساسات و دریافت و درک خودش را از دنیایی که در آن زندگی می‌کند نشان دهد».

می‌افزاید: «به نظر من وظیفه من یک هنرمند این است که عقیده و فکر و احساس و برداشت خودش را در آثارش به نمایش بگذارد. بقیه راه و برداشت از این

آثار، به عهده بیننده و مخاطب اثر است. میزان درکی که مخاطب از هنر می‌کند، جزو مسئولیت‌ها و تعهدات و وظایف هنرمند نیست. البته مخاطب حق دارد حتی از یک هنرمند بخواهد که اثر هنری خودش را برای او شرح دهد ولی اینکه هنرمند بتواند آنچه فکر می‌کند را با کلمات به درستی بیان کند و اینکه آیا مخاطب به درستی برداشت می‌کند یا نه، این را نمی‌توان ضمانت داد. اگر کسی توضیحی که هنرمند پس از خلق اثرش می‌دهد را درک نکند، نه‌نگاه هنرمند است و نه‌نگاه مخاطب. از کروساوا کارگردان نامدار ژاپنی چنین سوألی شده بود و از او خواسته بودند که درمورد یکی از فیلم‌هایش توضیح دهد. او پاسخ داده بود من بلد نیستم حرف بزنم. زبان من، همان فیلمم است.»

آینه

از استاد ایرج شافعی می‌پرسم اگر قرار باشد دیگران را دعوت کنم که از این نمایشگاه دیدن کنند، باید چه دلیلی برای دعوتنم بیاورم؟

می‌گویند: «در این نمایشگاه، می‌شود نسل جدید را دید. می‌شود افکارشان و نوع نگاهشان به دنیا را دید. می‌شود دید که نسل امروز ما – چه دختر و چه پسر– چگونه به جهان پیرامونشان نگاه می‌کنند. ما از اینها چیزهای زیادی می‌توانیم دریافت کنیم، وقتی یک پسر چهارده پانزده ساله در تابلوی نقاشی خودش از خوشنویسی استفاده می‌کند، قطعاً چیزی از جامعه و فرهنگش دریافت کرده که اینگونه کار کرده است. یا می‌شود دید که آثار عده‌ای از آنها خودی نخواهی کمی متمایل به غرب شده است. یا می‌شود دید که مثلا یکی از آنها در تابلوی خودش گاندی را کشیده در حالی که لباس و کلاه و زیورآلات مدل رب بر تن دارد. اتفاقاً من فکر می‌کنم هنر به خاطر همین تفاوت‌هایش زیاست. یکی از افتخارات من این است که کشیده‌ام مثل مثل هم نیستند. حتی دو شاگرد هم ندارم که مثل هم باشند. با این وجود این تابلوهوا می‌توانند مثل یک آینه، نگاه نسل امروز را به دنیای پیرامونش به خوبی نشان دهد. این دلیل خوبی برای دعوت از دیگران و دیدن نمایشگاه است».

استاد ایرج شافعی می‌گویند: «من به هنرجویانم گفته بودم سعی کنید از کشوری که در آن زندگی می‌کنید و از آثارتان نشان دهید و سعی کنید نقاشی‌هایتان شبیه به فرهنگ کشورتان و جامعه اطرافتان برداشت کنید و در آثارتان نشان دهید و سبکی نقاشی‌هايتان شبیه به نقاشی فرنگی‌ها نباشد. چون آنها که خودشان هستند و اتفاقاً خیلی هم زیاد هستند. من به هنرجویانم تاکید زیادی می‌کنم و می‌گویم باید در آثارتان نشان دهید که شما که هستید و چگونه فکر می‌کنید و دنیا را چگونه می‌بینید. خلاصه سعی کرده‌ام به هنرجویانم بگویم فرهنگتان را فراموش نکنید».

به همین اندازه صحبت با استاد بسنده می‌کنم. هرچند کلامش حقیقتا شیرین است. ضیافت کامل شده است. شیرینی می‌خوریم؛ و نمایشگاه با تعداد بسیار زیادی بازدیدکننده افتتاح می‌شود. باتشکر از بانوان هاله نایب میترا افشار فر و کوین علیار که مدیران فعال گالری زمان هنر هستند.